

تحلیل گفتمان فرهنگ زیست محیطی در ایران

قاسم زائری^۱

انور محمدی^{۲*}

چکیده

تعامل انسان با محیط‌زیست در ایران به هزاران سال قبل بر می‌گردد، اما بحران محیط‌زیست پدیده بسیار متاخری است که محصول بی‌توجهی انسان به ظرفیت محیط‌زیست بوده است. در ایران نیز مانند سایر نقاط جهان برخی گفتمان‌ها در ایجاد این بحران نقش مثبت و منفی داشته‌اند. گفتمان محیط‌زیست‌گرایی نیز در ایران مانند دیگر نقاط دنیا در پاسخ به این بحران پا گرفت. این گفتمان به شیوه‌های مختلف تلاش نموده خود را هژمونیک نموده و وارد فضایی کارزار گفتمانی شود. هدف این تحقیق بررسی و تحلیل این گفتمان در ایران است. در این راستا محیط‌زیست‌گرایی را به منزله یک مفصل‌بندی در نظر می‌گیریم و به روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف به تحلیل آن می‌پردازیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه گفتمان محیط‌زیست‌گرایی دارای تاریخی طولانی است، اما با توجه به مدرن بودن بحران محیط‌زیست که به‌طور مشخص از زمان پهلوی دوم آغاز شده و با پر رنگ‌تر شدن پیامدهای توسعه افراطی، این گفتمان امروزه در مواجهه با چنین مسئله‌ای در منازعه گفتمانی از موقعیت بهتری برخوردار است. بعدازآنقلاب نیز با ادامه سیاست‌های توسعه‌ای از سوی دولت‌های مختلف این گفتمان در تقابل با گفتمان توسعه خود را مفصل‌بندی نموده و به شیوه‌های مختلف سعی در هژمونیک شدن دارد.

کلید واژگان: گفتمان، تحلیل گفتمان، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی.

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۴ - 2019/12/05

پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷ - 2020/03/17

Qasem.Zaeri@Ut.Ac.Ir

Anvarmohamadi@Gmail.Com

۱- استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

مقدمه و طرح مسئله

از زمان شکل‌گیری دولت مدرن در ایران و به‌طور خاص از زمان پهلوی دوم و شروع اصلاحات ارضی در دهه چهل وضعیت محیط‌زیست دستخوش تحولات اساسی شد، و از آن به بعد نقش مهمی در گفتمان‌های توسعه‌ای دولت‌ها ایفا کرده است. به‌ویژه از این زمان به بعد است که شاهد تحولات اساسی در زمینه‌ی افزایش بهره‌برداری از محیط‌زیست، تحول تکنولوژی، ساخت سدها و شروع بهره‌برداری بی‌رویه از زمین هستیم. گرچه بحران کنونی محیط‌زیست یک بحران جهانی است و دولت‌ها و عوامل مختلف دیگری در آن نقش دارند، اما به‌طور خاص بعد از سرکار آمدن دولت‌های انتخابی مابعد انقلاب اسلامی، هم‌زمان با سرکار آمدن هر دولت شاهد تغییراتی در ادبیات و عملکرد دولت‌ها در نسبت با محیط‌زیست هستیم، غفلت همه این دولت‌ها از مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح در زمینه محیط‌زیست، سبب آسیب‌های زیست‌محیطی جبران‌ناپذیری در بسیاری از بخش‌های مختلف، آب، خاک، تنوع زیستی، آلودگی هوا، تخریب جنگل‌ها، مراتع و بیابان‌زایی و ... شده است. چنانکه در حال حاضر مسئله محیط‌زیست به یکی از مهم‌ترین مسائل اجتماعی کشور تبدیل شده، و توجه و نگرانی، بخش‌ها و اقشار و نهادهای مختلف ایران را به خود جلب کرده است، چنانکه تنها وزیر پیشنهادی رد صلاحیت شده دولت دوازدهم در ابتدای امر وزیر نیرو بود. که بحث‌ها و مناقشات فراوانی را از طرف جریان‌های فکری در زمینه‌ی محیط‌زیست به دنبال داشت. فهم و شناخت این گفتمان‌ها بی‌شک می‌تواند در این زمینه راه‌گشای سیاست‌گذاری‌های آتی قرار گیرد.

در هر کشوری اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی متأثر از گفتمان‌های مسلط و گفتمان‌های مقاومت خاصی است، در ایران نیز به‌تبع وضعیت همین‌گونه است. و هرگونه وضعیت عملی محیط‌زیست را بدون ارتباطی که با گفتمان‌های حاکم دارد نمی‌توان درک کرد. پس برای این کار ناگزیر باید به تحلیل گفتمان محیط‌زیست‌گرایی به‌عنوان مهم‌ترین گفتمان مقاومت در برابر گفتمان سرمایه‌داران توسعه‌گری بپردازیم. آنچه مسلم است برنامه‌ها و سیاست‌های زیست‌محیطی زمانی می‌توانند به نحوی ریشه‌ای بر مشکلات زیست‌محیطی فائق شوند و از بروز معضلات و مخاطرات زیست‌محیطی در آینده پیشگیری کنند و به‌عنوان بستر توسعه کارکرد مطلوبی داشته باشند که ریشه‌های تاریخی و ساختارهای اجتماعی اصلی که نقش اصلی در تعیین سرنوشت مسائل زیست‌محیطی دارند را موردبررسی و مطالعه عمیق قرار دهند، و با شناخت دقیق گفتمان‌هایی که در بسترهای تاریخی متفاوت ظهور کرده‌اند، به واکاوی دقیق علل ریشه‌ای بحران کنونی محیط‌زیست بپردازند، در غیر این صورت تلاش صرف برای ارائه راهکارهای فنی عقیم و بی‌ثمر خواهد بود و درازمدت شکست خواهد خورد. عموماً سیاست‌گذاران در رویکردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باهم متفاوت هستند. به‌منظور شناخت دغدغه‌های زیست‌محیطی دولت‌ها، سیاست‌گذاران، و جریان‌های رقیب در این عرصه نیاز به تحلیل گفتمان این گفتمان‌ها داریم. باوجود همه این مسائل هنوز تحقیق‌چندانی در مورد گفتمان‌های حاکم بر عرصه سیاست‌گذاری مابعد انقلاب اسلامی صورت

نگرفته است. در همین راستا شناسایی و تحلیل گفتمان‌های حاکم بر عرصه سیاست‌گذاری زیست-محیطی بعد از انقلاب ضرورتی انکارناپذیر است. مطالعه سیاست‌های زیست‌محیطی به واسطه تحلیل گفتمان به طرق مختلف دچار تحول شده است. نخست آنکه محیط‌زیست دیگر بیرون از جامعه دیده نمی‌شود بلکه به مثابه محصول مشترک گفتمانی است. مسائل زیست‌محیطی به شکل عینی دیده نمی‌شوند، بلکه بازنمایی آن‌ها به مثابه اثر تمهیدات زبانی شناخته می‌شود، که نشان می‌دهد که ساخت آن‌ها بازنمای استراتژی‌های قدرت و دانش است. مفصل‌بندی^۱ یک مسئله زیست‌محیطی نشان می‌دهد که آیا و چگونه با آن مسئله برخورد شود. (Feindt & Oels, 2005: ۱۶۲-۱۶۹). اما مسئله محیط زیست و گفتمان‌هایی مختلف در این زمینه با وجود اهمیتی که هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ پیامدهای سیاسی-اجتماعی برای ایران داشته‌چندان و به‌ویژه از دیدگاه‌های جدید موردبررسی قرار نگرفته است. یکی از این گفتمان‌ها که به‌طور خاص محور اصلی و فلسفه وجودی پیدایش و تلاش-هایش محیط‌زیست می‌باشد، گفتمان محیط‌زیست‌گرایی است. بنابراین مسئله مهم مطالعه پیدایش و کنشگری گفتمان محیط‌زیست‌گرا در ایران است. در نتیجه مسئله اصلی این تحقیق شناسایی مفصل-بندی گفتمان محیط‌زیست‌گرایی در ایران و نحوه هژمونیک شدن این گفتمان است.

پیشینه تحقیق

کارن بوکانن (۲۰۱۲) می‌کوشد تا بفهمد چگونه انواع مختلف دانش-معرفت‌شناختی، فنی، حکایتی-در جریان فرایند ادعاسازی یک تضاد اجتماعی-زیست‌محیطی طولانی مدت در ارتباط با استخراج مس و تهدیدات آن برای حفاظت از تنوع‌زیستی در جنگل‌های ابری دره اینتاگ اکوادور به شکل گفتمانی ترکیب و مورد استفاده قرار گرفته است. وی معتقد است موفقیت ادعاسازان زیست‌محیطی در حفاظت از جنگل ابری تاکنون ناشی از بسیج سیاسی آن‌ها حول ترکیبات استراتژیک و پویای انواع مختلف دانش زیست‌محیطی بوده است. کارین م. گوستافسون (۲۰۱۳) این موضوع را بررسی می‌کند که چگونه انجمن سوئدی حفاظت از طبیعت^۲ (SSNC)، یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در سوئد، تنوع‌زیستی را در سالنامه سال ۲۰۱۱ خود توصیف می‌کند. این سالنامه برای مخاطبانی وسیع و باهدف بهبود درک عمومی از تنوع‌زیستی تولید می‌شود. این مطالعه با استفاده از تحلیل گفتمان نشان می‌دهد که چگونه SSNC تنوع‌زیستی را با مفصل‌بندی مجدد سه گفتمان زیست‌محیطی (گفتمان اکوسیستم، گفتمان آرکادی، و گفتمان نوسازی بوم‌شناختی) و ادغام آن‌ها در یک خط داستان واحد تعریف می‌کند. تحلیل نشان می‌دهد که این گفتمان‌ها فرصت‌های متفاوتی را برای موقعیت‌های سوژه‌ای برای صحبت درباره و عمل در ارتباط با تنوع‌زیستی فراهم می‌آورند. ملیسا

۱. Articulation

۲. Swedish Society For Nature Conservation

نورسی- بری و دیگران (۲۰۱۰) گفتمان‌های بازیگران کلیدی مرتبط با اجرای یک برنامه مدیریت شکار لاک‌پشت و فیل دریایی که توسط اجتماع اصیل دره هوپ در منطقه میراث جهانی دیواره بزرگ مرجانی استرالیا توسعه‌یافته را مطالعه کردند. گفتمان‌های مدیران زیست‌محیطی و اعضای اجتماع بسیار متفاوت بود. مردم دره هوپ اولویت را به رفاه فرهنگی می‌دهند؛ درحالی‌که کارمندان نهادهای مدیریتی اولویت را به نتایج تنوع زیستی می‌دهند. آلکس‌ی. لو (۲۰۱۶) در تحقیقی با عنوان گفتمان عمومی تغییرات آب‌وهوا در هنگ‌کنگ می‌گوید محیط سیاسی در حال تغییر در هنگ‌کنگ احتمالاً گذار در گفتمان سیاسی زیست‌محیطی را شتاب بخشد. با استفاده از روش تحقیق Q، چهار گفتمان مجزا را شناسایی می‌کند: محیط‌زیست‌گرایی خالص، پراگماتیسم سیاسی، خوش‌بینی عوامانه، و عقلانیت‌گرایی منصفانه. درحالی‌که اولی آب‌وهوا محور است، سه گفتمان دیگر دارای ماهیت سیاسی یا اجتماعی هستند و دارای جهت‌گیری آب و هوایی واضح یا منسجمی نیستند. جمشید دولت‌آبادی (۱۳۹۱) به مطالعه حرکت‌های محیط‌زیستی طی دو دهه اخیر در ایران و چالش‌ها و تنگناهای پیش روی آنان با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای پرداخته‌شده است. نتایج نشان می‌دهد که حرکت‌هایی از سال‌های پیش یعنی از زمان ورود مدرنیته به ایران آغاز شده است، اما هنوز در حد و اندازه حرکت‌اند و توان تبدیل‌شدن به جنبش چه از لحاظ درون ساختاری و چه برون ساختاری را ندارند. باین‌حال اثرات آن‌ها در جلوگیری از تخریب محیط‌زیست ستودنی است. این حرکت‌ها در حال گسترش است و می‌توان از آن‌ها به‌عنوان جنبش‌های نوین اجتماعی نام برد. ذکاوت (۱۹۹۷) در تحقیقی با عنوان وضعیت محیط‌زیست در ایران معتقد است در دو دهه گذشته، ایران شدیدترین و احتمالاً بزرگ‌ترین تغییرات اقتصادی و سیاسی را در تاریخ خود تجربه کرده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد، باوجودی که ایران خود را با معیارهای حفاظت محیط‌زیست تطبیق داده و با آژانس‌های بین‌المللی همکاری می‌کند، اما هزینه کردن بودجه‌های غیر ضروری در مواردی غیر محیط‌زیست، مانعی در راه اجرا و به کارگیری این معیارهاست. ناتوانی دولت در به کارگیری راهکارهای کنترل اقتصادی برای کاهش تورم و رشد جمعیت و بالا بردن سطح آگاهی عمومی در مورد واقعیت‌های اقتصادی، باعث کاهش کیفیت زندگی اکثر ایرانی‌ها شده است و میزان مصرف در حال حاضر، ثبات اقتصادی ایران را به مخاطره انداخته است.

رضا یازارلو (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تحلیل گفتمان قوانین زیست‌محیطی مجلس شورای اسلامی» به دنبال شناسایی و تحلیل گفتمان‌های زیست‌محیطی مجالس اول تا هفتم شورای اسلامی است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که چهار الگوی گفتمانی بر ادوار مجلس حاکم بوده است. گفتمان عدالت زیست‌محیطی، گفتمان حفاظت از محیط‌زیست، گفتمان مخاطره و نهایتاً گفتمان نوسازی. گفتمان غالب بر دوره اول و دوم مجلس گفتمان عدالت زیست‌محیطی است. گفتمان حفاظت بر دور سوم تا پنجم حاکم است. گفتمان مخاطره گفتمان مسلط بر مجلس دور ششم و هفتم است. نهایتاً گفتمان نوسازی تنها گفتمانی است که در طول هفت دوره مجلس همواره به‌عنوان رقیب حضور

داشته است. صالحی و همکاران (۱۳۹۳) تلاش کرده‌اند تا با تاسی از دو گفتمان محیط‌زیست‌گرایی و زیست‌بوم‌گرایی، گفتمان‌های مسلط بر هر یک از برنامه‌های توسعه را مشخص سازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در قسمت اعظم برنامه‌ها، به‌ویژه در برنامه‌های اول تا سوم توسعه، گفتمان محیط-زیست‌گرایی غالب بوده است و برنامه چهارم و پنجم توسعه نیز، تحت تأثیر گفتمان زیست بومی طراحی و برنامه‌ریزی شده است. علاوه بر این نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، توجه چندانی به عدالت زیست‌محیطی نشده است. امیرملکی و عظیمه السادات عبداللهی (۱۳۹۲) در سطح ملی به بررسی وضعیت ارزش‌های زیست‌محیطی ایرانیان در سطح خرد و کلان می‌پردازند. نتایج تحقیق بازگوی آن است که میانگین نگرانی در مورد کیفیت محیط‌زیست جهانی ۳/۶۱، میانگین نگرانی در مورد کیفیت محیط‌زیست ایران ۳/۵۸، مشارکت زیست‌محیطی ۲/۴۳ و اولویت محیط‌زیست در برابر رشد اقتصادی ۰/۴۸ است که در مقایسه با دیگر کشورهای جهان جایگاه خوبی است.

چارچوب نظری و روش‌شناسی تحقیق

برای گفتمان و تحلیل گفتمان دو بعد نظری و روشی می‌توان قائل شد. در این تحقیق نیز از تحلیل گفتمان لاکلاو و موف به‌مثابه بعد نظری و روشی کار استفاده شده است. به باور هایجر و ورستیج (۲۰۰۵)، تحلیل گفتمان به چند شیوه به تحلیل سیاست‌های زیست‌محیطی کمک می‌کند: نخست کمک به درک طبیعت به‌مثابه مفهومی مورد مناقشه. ثانیه، گفتمان‌ها آنچه را می‌توان تصور کرد یا هر آنچه را که غیرقابل تصور است، شکل می‌دهند، حدود و ثغور گزینه‌های سیاسی را مشخص می‌کنند و بدین‌وسیله به‌مثابه پیش‌سازهای نتایج سیاسی عمل می‌کنند. حوزه سوم تجزیه و تحلیل تعصبات و جانبداری‌ها در گفتمان و شیوه‌هایی است که از آن طریق سیاست ساخته می‌شود. کمک چهارم تحلیل گفتمان در کاربری مفهوم فوکویی حکومت‌مندی برای مطالعه سیاست‌های زیست‌محیطی است. از منظر این مفهوم، سخن زیست‌محیطی دیگر «غیرمغرضانه» نیست، بلکه می‌تواند به‌مثابه تلاش دیگری برای جامعه انضباطی تلقی شود. مفهوم حکومت‌مندی به‌طور ویژه برای تحلیل سخن زیست‌محیطی به کار می‌رود، زیرا با مسئله امنیت، فنونی برای کنترل جمعیت و اشکال جدیدی از دانش سروکار دارد (هایجر و ورستیج، ۲۰۰۵: ۱۷۸-۱۸۰). به این منظور با توجه به هدف تحقیق که شناسایی و تحلیل گفتمان محیط‌زیست‌گرایی در متون مربوطه است، به نوعی با تحلیل پدیده‌های اجتماعی-سیاسی در سطح کلان سروکار داریم که رویکرد لاکلاو و موف ابزارهای تحلیلی مناسبی برای این کار در اختیار محقق قرار می‌دهد، و با استفاده از این رویکرد می‌توان رقابت گفتمانی و تنازع و تخصم را توضیح داد. نظریه گفتمان لاکلاو و موف هنگامی که به سراغ تحلیل گروه‌بندی و هویت جمعی می‌رود قوت بسیاری پیدا می‌کند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴: ۲۳۷). یورگنسن و فیلیپس معتقدند که لاکلاو و موف روش‌های انضمامی برای تحلیل ارائه نکرده‌اند؛ اما، با مراجعه به الگوهای به کار گرفته‌شده

توسط آن‌ها، می‌توان مفاهیم تحلیلی متعددی را استخراج کرد. مفاهیمی از قبیل مفصل بندی، گفتمان، دال مرکزی، تثبیت معنا، دال برتر، دال شناور، وقته، ضدیت و غیریت، هژمونی، بی‌قراری، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت، دال خالی، عنصر در این رویکرد مهم هستند. در این تحقیق با در نظر گرفتن محتوای گفتمانی و مبتنی بر حضور دال‌های مرکزی و شناور در متون سعی شده با بررسی مهم‌ترین اسناد تاریخی این گفتمان شناسایی و مورد تحلیل قرار گیرد. در این تحقیق روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف در سه مرحله اجرا شده است: مفصل‌بندی و شناسایی دال‌های گفتمانی، هویت‌یابی و غیریت‌سازی، هژمونیک شدن و مداخله هژمونیک. در این تحقیق از روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه برای تحلیل گفتمان محیط‌زیست‌گرایی استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

شناسایی فضای استعاره‌ای دال‌های کلیدی و مفصل‌بندی گفتمان محیط‌زیست‌گرا:

برای درک بهتر نحوه مفصل‌بندی و هژمونیک شدن هر گفتمان بهتر است ابتدا به فضای تاریخی و بستر شکل‌گیری آن گفتمان بپردازیم. عمده‌تأ گفتمان محیط‌زیست‌گرایی در جهان و حتی ایران گفتمانی متأخر می‌باشد و بیش از همه محصول واکنش به ظهور سرمایه‌داری و هسته اصلی آن مصرف‌گرایی و توسعه‌ستابان است.

اگر گفتمان توسعه‌گرایی به‌عنوان نخستین و اصلی‌ترین گفتمان مؤثر در بحران زیست‌محیطی همواره موردنقد بوده است، به‌تبع گفتمان محیط‌زیست‌گرایی نیز باید پس‌از این گفتمان شکل جدی به خود گرفته باشد و در واکنش به سیاست‌های این گفتمان مفصل‌بندی شده باشد. بنابراین هرچند که می‌توان مانند گفتمان توسعه‌ردي پای گفتمان محیط‌زیست‌گرایی را در دوره‌های بسیار قبل‌تر و حتی به دوران باستان و آموزه‌های زرتشتی برگرداند، اما گفتمان محیط‌زیست‌گرایی موردنظر این تحقیق گفتمانی است که توسط افرادی مطرح‌شده که دغدغه اصلی آن‌ها پیش از هر چیز محیط زیست بوده و بیشتر تلاش خود را وقف محیط‌زیست کرده‌اند، و به‌عنوان خصم گفتمان توسعه‌مرسوم که نابودکننده محیط‌زیست است، این گفتمان را وارد کارزار سیاست و سیاست‌گذاری نموده‌اند. با این اوصاف می‌توان ردپای این گفتمان را در دهه‌های چهل و پنجاه جستجو کرد، زمانی که صنعتی شدن، شهرنشینی، و توسعه تکنولوژیکی رشدی شتابان گرفت و تبعات آن برای محیط‌زیست شهر و روستا آشکار شد. اگر نگاهی به تاریخ قوانین زیست‌محیطی بیندازیم متوجه خواهیم شد که گفتمان محیط‌زیست‌گرایی به شکل کنونی گفتمانی متأخر است و برخی قوانین نیز که در گذشته شکل گرفته بسیار بخشی و موردی بوده و چندان در میان قوانین کشور به چشم نمی‌آیند و جنبه حمایتی نیز نداشته‌اند. مثلاً مواد ۱۷۹ و ۱۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۷ اولین حکم قانونی در باب شکار محسوب می‌شوند. یا در تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۲۷ هیات وزیران طی تصویب‌نامه‌ای، صید ماهی با دینامیت و بطری محتوی آهک و مواد منفجره و همچنین صید ماهی با هر نوع مواد سمی و مخدر را

در آب‌های کشور ممنوع اعلام کرد (مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیست، ۱۳۹۲: ۲۵). اما به‌واقع اولین مقررات مستقل و نسبتاً جامع در زمینه حفاظت از حیات‌وحش مشتمل بر هفت ماده و ده تبصره به تصویب مجلس وقت رسید. تخریب محیط‌زیست و بهره‌برداری بیش‌ازحد منابع در کشور ما نیز همانند بسیاری از کشورهای جهان در طی قرن گذشته، چشمگیر بوده و تسریع در این روند در سال ۱۳۳۵ منجر به تشکیل دستگاهی مستقل به نام کانون شکار ایران، باهدف حفظ نسل شکار و نظارت بر اجرای مقررات مربوط به آن شد. کانون شکار ایران بر اساس ماده یک قانون مذکور به‌عنوان یک سازمان مستقل در جهت حفظ نسل وحوش و اجرای مقررات شکار تشکیل گردید. همان‌طور که پیداست در اوایل بیش از همه این حیوانات بودند که در کانون توجه و تهدید بودند که بیشتر ناشی از ورود و رشد تکنولوژی اسلحه‌های شکار بود (همان). در ۱۶ خرداد ۱۳۴۶ قانون شکار و صید مشتمل بر ۳۱ ماده تصویب شد. با تصویب قانون مذکور سازمان «شکاربانی و نظارت بر صید» تشکیل و جایگزین کانون شکار ایران گردید. قانون شکار و صید بعدها در سال ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵ اصلاح شد. بر اساس قانون اخیر، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید، مرکب از وزیران کشاورزی، دارایی، جنگ و شش نفر از اشخاص با صلاحیت بود. از جمله شخصیت‌های بسیار مهم از همان ابتدا در این امر اسکندر فیروز بود. وی رئیس سازمان شکاربانی و نظارت بر صید شد. برخی محیط‌زیست‌گرایان از جمله محمد درویش بارها از وی به‌عنوان مهم‌ترین چهره این گفتمان و برخی حتی وی را پدر حفاظت از محیط‌زیست ایران می‌دانند. وی همچنین پس از تشکیل سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال ۱۳۵۰ اولین رییس این سازمان بود. بر اساس ماده ۶ قانون فوق، وظایف سازمان شکاربانی و نظارت بر صید از محدوده نظارت و اجرای مقررات ناظر بر شکار فراتر رفته و امور تحقیقاتی و مطالعاتی مربوط به حیات‌وحش کشور، تکثیر و پرورش حیوانات وحشی و حفاظت از زیستگاه آن‌ها و تعیین مناطقی به‌عنوان پارک وحش و موزه‌های جانورشناسی را نیز در بر گرفت.

در سال ۱۳۵۰ نام سازمان شکاربانی و نظارت بر صید به "سازمان حفاظت محیط‌زیست" و نام شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید به "شورای عالی حفاظت محیط‌زیست" تبدیل شد و امور زیست‌محیطی از جمله پیشگیری از اقدام‌های زیانبار برای تعادل و تناسب محیط‌زیست نیز به اختیارات قبلی آن افزوده شد. در سال ۱۳۵۳ پس از برپایی کنفرانس جهانی محیط‌زیست در استکهلم و با تصویب قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست در ۲۱ ماده، این سازمان از اختیارات قانونی تازه‌ای برخوردار شد و از نظر تشکیلاتی نیز تا اندازه‌ای از ابعاد و کیفیت سازگار با ضرورت‌های برنامه‌های رشد و توسعه برخوردار شد (تارنمای سازمان حفاظت محیط‌زیست، ۱۳۹۷/۵/۱).

با کوشش اسکندر فیروز مناطق چهارگانه تحت حفاظت ایران با نام‌های پارک ملی، اثر طبیعی ملی، پناهگاه حیات‌وحش و منطقه حفاظت‌شده، تعیین شد. در یکی از مراسم‌هایی که هر سال به مناسبت گرامی‌داشت روز انعقاد کنوانسیون حفاظت از تالاب‌های مهم بین‌المللی و زیستگاه پرندگان آبی برگزار می‌شد، دبیرخانه این کنوانسیون از اسکندر فیروز به‌عنوان پدر تالاب‌ها یاد کرد؛ چرا که

تلاش‌های او سبب شد تا در سال ۱۳۴۹ این کنوانسیون در رامسر منعقد و از آن پس به نام کنوانسیون رامسر شناخته شود.

در سال ۱۳۵۰ فیروز ریس اجلاس سازمان ملل برای آماده‌سازی کنوانسیون‌های مربوط به کنفرانس جهانی استکهلم شد. در سال ۱۳۵۱ وقتی نخستین کنفرانس جهانی محیط‌زیست در استکهلم برگزار شد، او نایب‌رئیس این اجلاس بود. در خلال سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ به عضویت هیئت‌مدیره اتحادیه جهانی حفاظت محیط‌زیست درآمد و از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ نایب‌رئیس این اتحادیه و عضو هیئت‌امانای صندوق جهانی حیات‌وحش و طبیعت شد. در تیرماه ۱۳۵۶ علاوه بر آنکه از ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست استعفا کرد، ریاست اتحادیه جهانی حفاظت را نیز نپذیرفت. او همچنین از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ دبیر کل موسسه گیاه‌شناسی ایران بود و تأسیس موسسه گیاه‌شناسی و باغ گیاه‌شناسی و همچنین طرح زیست‌محیطی پردیسان را در کارنامه فعالیت‌های خود دارد. از دیگر شخصیت‌های مهم در این زمینه مه‌لقا ملاح ملقب به مادر محیط‌زیست ایران است که در رشته جامعه‌شناسی تحصیل کرده است. مه‌لقا ملاح در سال ۱۳۷۳ با مشارکت همسرش و چند استاد دانشگاهی علاقه‌مند به محیط‌زیست سازمان غیردولتی زیست‌محیطی «جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط‌زیست» را بنیان گذاشت. این سازمان در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۷۴ رسماً اعلام موجودیت کرد. از مه‌لقا ملاح مقالات متعددی درباره آلودگی محیط‌زیست و شیوه‌های مبارزه با آن در نشریات گوناگون منتشر شده است. وی مدیرمسئول و سردبیر فصلنامه فریاد زمین بود. او یکی از فعالان حقوق زنان و جامعه‌شناسان برجسته‌ای بود که در سن ۷۸ سالگی با همکاری همسرش زنده‌یاد حسین ابوالحسینی و چند نفر از زنان استاد دانشگاه و شاغل در سازمان محیط‌زیست، یکی از نخستین و مؤثرترین تشکل‌های زیست‌محیطی کشور را تأسیس کرد تا نسلی از فعالان محیط‌زیست ایران را در مکتب خود تربیت کرده و به حمایت از محیط‌زیست ترغیب کند. مادر بزرگ محیط‌زیست ایران چهره‌ای شناخته‌شده در میان فعالان محیط‌زیست در جهان شده است. چهره‌های بسیار دیگری چون تقی ابتکار، یا محمدتقی فرور در این دوره نیز در این زمینه تلاش‌های داشته‌اند. به‌عنوان مثال محمدتقی فرور فارغ‌التحصیل علوم اجتماعی و اکولوژی در سال ۱۳۵۰ کتاب «تکنولوژی آسیب‌زا» را نوشت. اما در مجموع از آنجا که هنوز تبعات توسعه‌چندان آشکار نشده بود این گفتمان نیز طرفداران و صدای چندانی نداشت و معدودی نخبگان بوده‌اند که واکنش و تلاش‌هایی را از خود نشان دادند. اما در دهه ۱۳۷۰ و با آشکار شدن تبعات چندین دهه سیاست‌های توسعه‌ای به‌ویژه گفتمان سازندگی کم‌کم بر تعداد کسانی که محیط‌زیست را در اولویت دغدغه‌های خود قرار می‌دادند افزوده شد. به‌عنوان مثال «سازمان جمعیت زنان مبارزه با آلودگی محیط‌زیست» در این دهه بنیان نهاده شد.

اولین پیمان زیست‌محیطی در تاریخ ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) در رامسر از شهرهای ساحلی و سرسبز شمال ایران، نهایی شد و به امضاء رسید. پیمان رامسر یا کنوانسیون تالاب‌ها اکنون به‌عنوان یک موافقت‌نامه مهم در خصوص مراقبت و محافظت از تالاب‌های جهان مطرح است. بنابراین از نظر تاریخی

ایران طلبه‌دار حفاظت از محیط‌زیست در جهان بوده است. پس از آن در سال ۱۹۷۲ در استکهلم "کنفرانس محیط‌زیست انسانی" برگزار شد (دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۸۲).

همان‌طور که پیداست در این دوره در هیچ یک از قوانین و مواد کنوانسیون رامسر بحثی از بحران نیست و بیشتر بر همان واژه حفاظت به‌عنوان دال مرکزی تأکید می‌شود، به‌عنوان مثال در ماده ۴ از قانون کنوانسیون رامسر آمده است: هر یک از طرف‌های متعهد تسهیلات لازم جهت حفاظت تالاب‌ها و پرندگان آبی را با ایجاد قرق‌های طبیعی در منطقه تالاب‌ها اعم از اینکه در فهرست درج شده و یا نشده باشند فراهم و به نحو مطلوب از آن‌ها نگهداری خواهد کرد (متن کامل کنوانسیون رامسر، ۱۳۵۰).

در این دوران همان‌طور که از نام سازمان حفاظت محیط‌زیست و مواد کنوانسیون رامسر پیداست حفاظت از محیط‌زیست دال مرکزی این گفتمان است. و دال‌هایی مانند حفاظت از حیوانات (ماده ۲ بند ۲ و ۶)، ارزش اقتصادی و فرهنگی محیط‌زیست (در اهداف کنوانسیون)، منافع ملی و حیات انسان هستند. جنبش محیط‌زیست در ایران در واقع از اواسط دهه هفتاد شمسی شکل گرفته است، اما هنوز آرمان‌های کلی خود را بازنیافته است. لیکن با توجه به بافت تشکیل‌دهنده آن که طبقه متوسط شهری و بیشتر متعلق به طبقه متوسط رو به بالا هستند، به نظر می‌رسد در نهایت مسائلی مربوط به آلودگی و حفاظت از طبیعت به اجزاء غالب این جنبش تبدیل شود. اولین سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در ایران از سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را آغاز کردند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۸۳). همان‌طور که گفته شد، جنبش محیط‌زیست در ایران از اواسط دهه هفتاد شمسی شکل گرفت، اما سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به‌عنوان بخش مهمی از این جنبش، حرکت خود را زودتر آغاز کرده‌اند. از اولین سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی ایران یک تشکل غیررسمی بود که حرکت خود را از سال ۱۳۴۹ آغاز کرد. این تشکل در واقع شامل گروهی از مردم روستای اشکذر یزد بود که به‌منظور مقابله با هجوم شن‌های روان تشکیل شد. «انجمن حمایت از حیوانات» نیز یک سازمان غیردولتی دیگر بود که چند سال قبل از انقلاب تأسیس شد و پس از انقلاب منحل گردید (همان).

پس از انقلاب به دلیل رویدادهای مهمی مانند جنگ که در کشور به وسعت اثرگذار بود، روند سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در ایران متوقف شد و این وضع تا حدود سال ۱۳۷۰ ادامه داشت. تشکل‌های زیست‌محیطی با تعریفی که امروز از سازمان‌های غیردولتی داریم از سال ۱۳۷۱ بعد از کنفرانس ریو در ایران به وجود آمدند. در اوایل این سال به تدریج ۴ الی ۵ سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در کشور تشکیل شد و تا سال ۱۳۸۰ تعداد تشکل‌های یافته شده در زمینه‌ی محیط‌زیست به ۳۷۵ تشکل گزارش شده است. فعالیت اکثر این سازمان‌ها، آگاه‌سازی و آموزش است و غالباً درباره مسائل محیط‌زیست شهری فعالیت می‌کنند ولی از زمینه‌های کار تخصصی مانند حیوانات، توسعه روستایی، بیابان‌زدایی و حفاظت از جنگل نیز در کار آن‌ها دیده می‌شود. روش فعالیت آن‌ها شامل، برگزاری کلاس و کارگاه‌های آموزشی، آموزش چهره به چهره، در محله‌ها، و برگزاری سمینار و

همایش‌های علمی و آموزشی، انتشارات، دادن بیانیه، برگزاری نمایشگاه و بازار سبز و... می‌شود. اخیراً نیز بعضی از آن‌ها در حال ورود به رده‌های بالای تصمیم‌گیری هستند. برای مثال ارائه پیشنهاد به کارشناسان برای تهیه برنامه پنج‌ساله سوم، برگزاری جلسات بحث و گفتگو با نمایندگان مجلس و اعضای شوراهای شهر و ارائه پیشنهاد برای وضع قوانین از جمله فعالیت‌های انجام‌شده سمن‌های زیست‌محیطی است که هدف آن‌ها اثرگذاری در برنامه‌های کلان است (شکری، ۱۳۸۴/۱۱/۸).

متأسفانه همان‌طور که محققان دیگر (دولت‌آبادی و شکری) نیز ذکر کرده‌اند دسترسی به آمار و ارقام سازمان‌های مردم‌نهاد در دهه‌های اخیر مسیر نیست، اما نتایج تحقیقات دولت‌آبادی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که تعداد آن‌ها در آغاز دهه ۹۰ حدود ۱۵۰۰ سازمان است که در قالب‌های گوناگون و تعریف مسئولیت‌های کاملاً تخصصی فعالیت می‌کنند.

در تحقیق دولت‌آبادی شکل‌گیری حرکت‌های حفاظت از محیط‌زیست حول دال‌هایی مانند عدم وجود دولت‌های پاسخگو، تخریب و آلودگی زیست‌محیطی، احساس مسئولیت، امیدواری به آینده و نجات جامعه مفصل‌بندی شده است (دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۱) و مهم‌ترین چیزهایی که باعث این وضعیت شده و آن را به‌عنوان خصم خود دیده‌اند، عدم نهادینه شدن فرهنگ دموکراتیک، رشد بی‌رویه و بی‌برنامه جمعیت، فقر فرهنگی و اقتصادی، عدم وجود شایسته‌سالاری، سیطره سودگرایی و دلالی، مصرف‌گرایی، یک‌سویه شدن باور به پیشرفت و توسعه‌یافتگی (ساختن ساختمان و کارخانه...)، فراموش شدن محیط‌زیست، توسعه نامتوازن، دولت‌گرایی، ملیت‌گرایی، نابودی محیط‌زیست است (دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۴۶-۱۵۰). در دهه اخیر ادبیات، نوع فعالیت و نقش فعالان محیط‌زیست هم‌زمان با شدت گرفتن بحران‌های زیست‌محیطی شدت بیشتری پیدا کرده است. حمید طراوتی از بحران جمعیت و بحران گرم شدن کره زمین به‌عنوان عوامل تهدیدکننده کره زمین یاد می‌کند. پرویز کردوانی نیز در رسانه‌ها و سخنرانی‌های خود پیوسته بر کاربرد روش‌های سازگار با بوم و شیوه‌های سنتی تأکید دارند. مرتضی فرهادی ضمن نقد تئوری‌های توسعه برونزا بر کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار تأکید دارند. بر همین اساس وی به «بحران محیط‌زیست در ایران و لزوم بازنگری دانش‌های بومی و راهکارهای فرهنگ ملی» برای مقابله با این مسئله هشدار داده‌اند (فرهادی، ۱۳۹۲/۲/۱۷).

یکی از دال‌های اصلی این گفتمان اخلاق و اخلاق‌گرایی به تقلید از آلدو لئوپولد نویسنده کتاب «اخلاق زمین» است. چنانکه بسیاری چون ملاح، درویش، کرمی و غیره پیوسته بر اخلاق و ارزش‌های ذاتی زیست‌محیطی تأکید دارند. تأکید بر رفتار زیست‌محیطی در این گفتمان بسیار اهمیت دارد.

در دهه ۸۰ و با ظهور تبعات زیست‌محیطی لحن این گفتمان نیز تغییر کرد و در ادبیات قاطبه نمایندگان این گفتمان دال «بحران» و «فاجعه» در مرکز گفتمان قرار گرفت. کلانتری وزیر اسبق جهاد کشاورزی که از سوژه‌های نامتعیین به تعبیر لاکلاو و موف است، یعنی در زمانی که در پست‌های دولتی است نماینده گفتمان توسعه است و در زمانی که فقط ریاست احیای دریاچه ارومیه را برعهده داشت منتقد سرسخت سیاست‌های توسعه بود، معتقد است «ما فاجعه را به وجود آورده ایم» (سوهانی،

۱۳۹۴). یاسر عرب مستندساز: «فاجعه هرچقدر بزرگ‌تر باشد کمتر دیده می‌شود» (همان، دقیقه ۲۰). کلانتری زمانی که ریس ستاد احیای دریاچه ارومیه بود چنین می‌گوید: «سد گوتوند را ساختند آب شیرین کارون را شور کردند. دوسوم اراضی خوزستان زیر سد گوتوند است. سالانه ۸ تا ۱۰ تن نمک وارد خاک آن می‌شود، قبل از ساختن سد گوتوند نبود. و این‌ها جنایت‌هایی است که در این سرزمین اتفاق افتاده است» (سوهانی، ۱۳۹۴). محمدتقی فرور: «ما در توسعه کشورمان این نگاه را که فن سالارها کشور را به دست بگیرند یک‌چیز مقدس می‌دانیم، درحالی‌که تصمیمات را جامعه باید بگیرد نه فن سالاران» (همان). کلانتری: «عاشق سدسازی بودند، عاشق ساختن دیواره بودند. سد را می‌ساختند آب را محفوظ می‌کردند بدون اینکه به فکر مصرفش باشند».

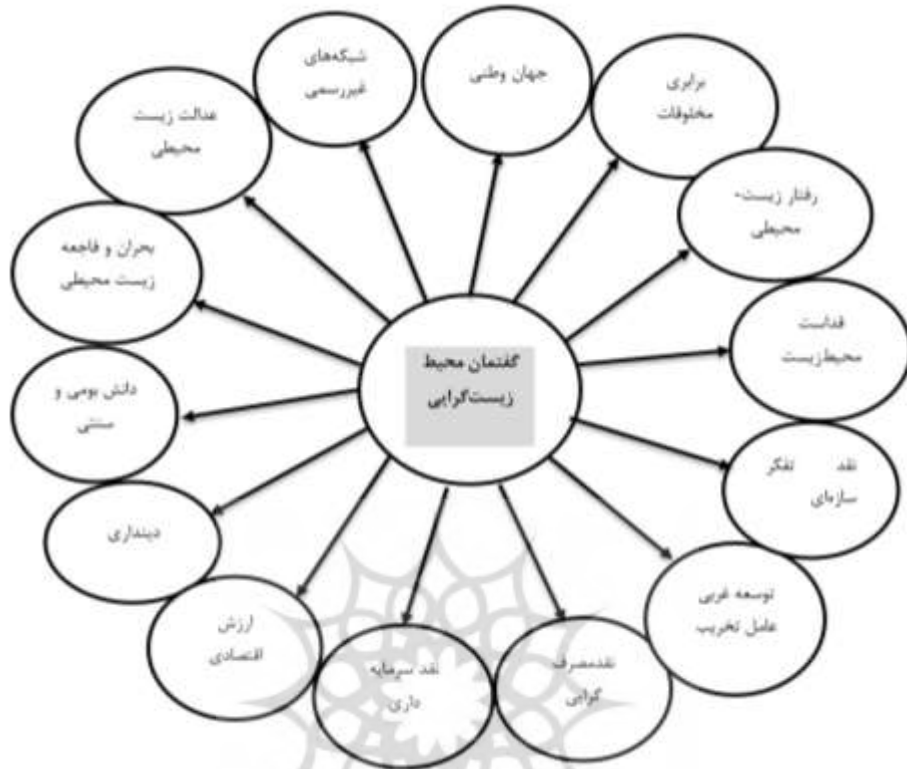
در این دوره محیط‌زیست‌گرایان تلاش می‌کنند در همه عرصه‌ها وارد شوند و محیط‌زیست را به صورت‌ببین رشته‌ای و در ارتباط با عوامل غیر زیست‌محیطی مفصل‌بندی کنند. حجت میان‌آبادی «طرح‌های انتقال آب اگر اثراتشان از سدسازی بیشتر نباشد کمتر نیست. چون اگر سدسازی اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی دارد، طرح‌های انتقال آب دارای اثرات اجتماعی، سیاسی و اقلیمی خواهد بود» (همان). همچنین تأکید بر قناعت، صرفه‌جویی، اخلاق مهربان ایرانیان با طبیعت و حیوانات در کار این‌ها بسیار دیده می‌شود. در هنگام ارائه راهکار توسط این گفتمان با طیف وسیعی از راهکارها مواجه می‌شویم که عمدتاً بیش از همه بر اصلاح رفتار و اخلاق فردی و در سطح کلان تکنولوژی‌های پاک تأکید دارند. اخلاقی مانند صرفه‌جویی در مصرف خانگی، کاهش تولید زباله، استفاده از دوچرخه، عدم استفاده از خودرو تک‌سرنشین، ایجاد مدارس طبیعت، درخت‌کاری، راه‌اندازی کمپین و استفاده از فضای مجازی و سینما برای تغییر رفتارها و اخلاق افراد در محور جریان‌های زیست‌محیطی قرار گرفته است.

جهان‌وطنی نیز از دیگر دال‌های اصلی این گفتمان است. تقریباً تمام کسانی که در این گفتمان جایی می‌گیرند همواره در صفحات مجازی، و نوشته‌های خود به مسائل زیست‌محیطی فرامرضی توجه دارند و همواره تمام سیاست‌های زیست‌محیطی فرامرضی را نقد یا مورد تمجید قرار می‌دهند و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. به همین دلیل فراتر از منافع ملی به قضایا نظر دارند. عدالت زیست‌محیطی از مهم‌ترین دال‌های این گفتمان در دهه ۱۳۹۰ است. بعد از خشک‌سالی‌های اخیر و ورود ریزگردها به برخی مناطق کشور، مسئله حقایق هم در خارج از کشور و هم در داخل به شدت اهمیت پیدا کرد. و چندین کمپین توسط نمایندگان این جنبش برای شکایت از کشورهای ترکیه و افغانستان به علت رعایت نکردن حقایق ایران در تالاب‌های هور العظیم و هامون که از رودخانه‌های دجله و فرات و هیرمند سرازیر می‌شدند شکل گرفته است. در داخل کشور نیز بسیاری از نمایندگان این گفتمان مخصوصاً سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در شهرستان‌ها، به‌ویژه در اصفهان، لرستان، چهارمحال بختیاری، خوزستان و برخی شهرهای دیگر به شدت با طرح‌های انتقال آب به مخالفت پرداخته‌اند. نقد تکنولوژی مدرن و تراریخته در این گفتمان بسیار تکرار می‌شود.

جدول (۷): اجزا و مراحل مختلف مفصل‌بندی گفتمان محیط‌زیست‌گرا

گفتمان محیط‌زیست‌گرایی	جزئیات مرحله	مراحل
احیای روش‌های سنتی و بومی ایران پیشاتوسعه. برابری بین همه مخلوقات. مرد تانک‌ها، و رفتار زیست‌محیطی مردمان گذشته، و افرادی چون را شل کارسون و کتاب بهار خاموش.	۱- دال تهی و افسانه	مرحله ۱: شناسایی فضای استعاره‌های دال‌های کلیدی، و مفصل‌بندی
محیط‌زیست، آب، زمین، تکنولوژی گره‌گاه	۲- عنصر و گره‌گاه	
دال‌های اصلی و مرتبط: حفاظت از محیط‌زیست، قناعت، رفتار مبتنی بر حفظ محیط‌زیست، صرفه-جویی، مبارزه با اسراف، عدالت زیست‌محیطی، مفصل‌بندی: طبیعت و تمام جانداران ارزش برابر باهم دارند، و طبیعت واجد ارزش ذاتی است نه ابزارگرایانه، انسان‌ها با اتکا بر تکنولوژی و مدل توسعه سرمایه‌دارانه غربی و تقلید از الگوهای آن‌ها در سطح خرد و کلان باعث شده‌اند محیط‌زیست امروز با وضعیتی بحرانی و فاجعه‌آمیز روبرو شود، راه نجات در اصلاح الگوهای رفتار فردی و احیای روش‌های سنتی و تکنولوژی نوین سازگاری با محیط‌زیست است.	۳- مفصل‌بندی و دال‌های ربطی	
ارزش اقتصادی، دینداری، برتری انسان نسبت به مخلوقات دیگر.	۴- دال‌های شناور	
فرد و گروه زیست‌محیط‌گرا: فردی و گروهی که باور دارد که محیط‌زیست دارای ارزش ذاتی است و در رفتار خود و برنامه‌های مدیریتی اصول محیط‌زیست را در اولویت قرار می‌دهد. جهان‌وطنی	۱- موقعیت سوژگی و گروه بندی	
فرد و گروه دیگری: گروه‌های که توسعه اقتصادی، تکنولوژی، ساخت‌وساز، رفاه انسان، دینداری و سعادت انسان را بر سایر مخلوقات و محیط‌زیست در ارجحیت قرار می‌دهند. مانند سیاست‌مداران بی توجه به محیط‌زیست، و نمایندگان گفتمان توسعه.		

<p>منطق هم ارزی: گاهی شاهدیم که محیط‌زیست-گرایان برای مقابله با یک برنامه مخرب تفاوت‌های خود را نادیده می‌گیرند و هم‌صدا می‌شوند، مانند مخالفت با ریاست کلانتری بر سازمان حفاظت محیط‌زیست که همه هم‌صدا کمپین‌هایی را تشکیل دادند. جهان‌وطنی‌ها</p>		<p>مرحله ۲: هویت‌یابی و غیریت‌سازی</p>
<p>منطق تفاوت: در میان این گروه نیز گاهی اختلافاتی بروز می‌کند، مثلاً زنان زیست‌محیطی معتقدند در گفتمان زیست‌محیطی ایران به زنان چندان توجهی نمی‌شود. یا کسانی که بیشتر رویکرد جهان‌وطنی دارند، افرادی را که در سطح استانی و قومی کار می‌کنند، سبزگرا نمی‌دانند. همچنین فعالان قومی نیز جهان‌وطنی‌ها را افرادی می‌دانند که چندان به مسائل واقعی اهمیت نمی‌دهند.</p>		
<p>بیشتر نمایندگان این گفتمان از قشر متوسط شهری، تحصیل‌کردگان محیط‌زیست، یا تحصیل‌کردگان و دانشگاهیانی است که دغدغه زیست-محیطی دارند.</p>	<p>۲- نمایندگی</p>	
<p>میدان گفتمانی: گفتمان توسعه غربی، گفتمان سازه‌ای، گفتمانی که برای طبیعت ارزش‌آزایی قائل باشد. سرمایه‌داری، سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملاتی، پرونیسیالیست‌ها</p>	<p>۱- تخصیص (مقابله گفتمان‌ها باهم)</p>	
<p>نمایندگان این گفتمان در سه سطح رسانه و فضای مجازی، مانند تلگرام و تارنما، مستندسازی، و حضور در رسانه ملی، در سطح رفتار فردی و الگوهای صرفه‌جویانه و سازگار با محیط‌زیست، و سطح کلان و مداخله در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در دهه‌های اخیر به شدت تلاش نموده‌اند بر عرصه گفتمانی مدیریت محیط‌زیست حاکم شوند.</p>	<p>۲- مداخله هژمونیک و رفع تخصیص</p>	<p>مرحله ۳: تخصیص، مداخله هژمونیک و رفع تخصیص</p>



شکل (۱): مفصل‌بندی گفتمان محیط‌زیست‌گرایی در ایران

دال‌های شناور

این گفتمان تلاش دارد تا برخی دال‌های محوری گفتمان‌های دیگر را در گفتمان خود جای دهد. به‌عنوان مثال دال ارزش اقتصادی محیط‌زیست دالی است که بسیار بر آن تأکید می‌شود، و محیط-زیست‌گرایان تلاش می‌کنند از این منظر گفتمان توسعه را نقد کنند و ثابت کنند که برخی برنامه‌های توسعه‌ای حتی توجیه اقتصادی نیز ندارد. حجت میان‌آبادی از این منظر به‌نقد برخی سیاست‌های توسعه‌ای می‌پردازد: «اخیراً یکی از نمایندگان کمیسیون انرژی مجلس اعلام کرد میزان سود اختصاصی که از کشت پسته در رفسنجان به دست آوردیم ۳ میلیارد دلار بوده، اما ارزش آبی که صرف تولید این پسته شده است ۸ میلیارد دلار بوده است» (سوهانی، ۱۳۹۴). دال دینداری همواره مورد توجه نمایندگان این گفتمان بوده است و سعی کرده‌اند از استدلال‌های دینی برای دستیابی به اهداف خود کمک بگیرند. محمد درویش به‌عنوان مطرح‌ترین چهره محیط‌زیست‌گرایی همواره از دال‌های دینی بهره گرفته است. محمد درویش: «خواهش از همه عاشقان واقعی سالار بی‌رقیب شهیدان جهان آن

است که ده الگوی رفتاری زیر را تا می‌توانید، رعایت کرده و گسترش دهید تا در شب‌های محرم، آسمانی از همیشه آبی‌تر، شهرهایی از همیشه آرام‌تر، پاکیزه‌تر و ایمن‌تر و ترافیکی از همیشه روان‌تر را شاهد باشیم» (درویش، ۱۳۹۶/۷/۶).

دال شناور دیگری که در این گفتمان وجود دارد سوء مدیریت است که گفتمان‌های دیگر نیز بر آن تأکید دارند. بیژن فرهنگ دره‌شوری از فعالان و اعضای سازمان حفاظت محیط‌زیست در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۶: «به‌عنوان کسی که سراسر عمر دراز خود را با مأموریت یا مسئولیت یا کوشش مشتاقانه در راه حفاظت محیط‌زیست گذرانده‌ام، به جرات می‌توانم بگویم روند شتابان به قهقرا رفتن آب‌وخاک و گیاه، حاصل بی‌تدبیری و سوء مدیریت در رده‌های مختلف مدیریتی بوده است». (تارنمای بهسو، ۱۳۹۴/۶/۲۳).

اسطوره و دال تهی

در پنجم ژوئن سال ۱۹۸۹، یک روز بعد از سرکوب سلسله اعتراض‌های عمدتاً آرام و مسالمت‌آمیز مردمی که در مخالفت با محدودیت‌های سیاسی در چین در میدان تیان-آن-من پکن گردهم آمده بودند، ستونی از تانک‌های ارتش موقع پیشروی به‌طرف این میدان، در خیابان چانگ آن مردی را دیدند که با کیسه‌های خرید در دست‌برسر راهشان ایستاده است و کنار نمی‌رود. این شخص ناشناس که امروز به مرد تانک‌ها معروف است با تلاش‌های چندباره خود جلوی حرکت تانک‌ها را هرچند برای مدتی کوتاه گرفت تا اینکه بعد از دقایقی دو شخص آبی‌پوش ظاهر شده و او را کنار کشیدند و در بین جمعیت ناپدید شدند. باینکه هویت و سرنوشت این شخص که مجله تایم به او لقب یاغی ناشناس داد هنوز مشخص نیست ولی حرکت او به نمادی برای اعتراض‌های آرام و مسالمت‌آمیز تبدیل شد. فعالان محیط‌زیست در سراسر دنیا به‌خصوص در ایران همچون مرد تانک‌ها که به‌عنوان نمادی از انسان در مقابل نمادی از تکنولوژی و مهارت انسان که به‌سوی‌اش هجوم آورده می‌باشد، در حال اعتراض، مبارزه و حرکت‌اند، ابزارهایی که توسط انسان ساخته شده‌اند اما کارکردی ضدانسانی دارند. انسانی تنها، با کیسه خریدش که نشان از زیست روزمره او دارد را در مقابل تکنولوژی، هجوم و درنهایت ابزار محو انسان نشان می‌دهند. طبیعت هم با هجوم گسترده و نظامی‌وار تکنولوژی و سوداگری و هژمونی انسان بر آن رو به‌سوی نابودی قرار گرفته است. انسان مقابل آهن!

فعالان محیط‌زیست در مکان و موقعیتی شبیه به ابرقهرمان عکس ایستاده‌اند (تکنولوژی، هجوم، خشونت، اقتدار، جنگ، نظامی‌گری، تخریب، آلودگی، فاجعه و درنهایت محو انسان). «انسان علیه انسان». باید یادآور شد که برای نگاهبانی از انسان و زیست انسانی، فعالان محیط‌زیست راه دشواری در پیش روی‌شان دارند (دولت‌آبادی، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۵۳).

یکی از دال‌های تهی اصلی در میان زیست‌محیط‌گرایان زیست‌سازگار با طبیعت ایرانیان قبل از ورود تکنولوژی و مدرنیته به ایران است. و همواره با سمپاتی نسبت به آن دوران به‌عنوان دورانی طلایی و آرمانی اشاره می‌کنند.

مرتضی فرهادی معتقد است که باید از سنت، فرهنگ و تمدن ایرانی به‌عنوان پلی برای آینده نه صرفاً مسئله‌ای زینتی بهره گرفت. فرهادی اولین کسانی است که در ایران از لزوم «گردآوری دانش‌ها و فن‌آوری‌های عامیانه و کار ابزارهای سنتی در ایران» به‌عنوان رویکردی برای توسعه بومی و گسترش تکنولوژی ایرانی حرف زده و از همین زاویه به «آسیب‌شناسی پژوهش‌های فرهنگ عامیانه» نیز پرداخته است. چهره‌های زیست‌محیطی بسیاری برای بسیاری از این افراد تبدیل به اسطوره شده است، اما راشل کارسون با کتاب «بهار خاموش» و آلدو لئو پولد با کتاب «اخلاق زمین» بیشتر برای این افراد به مرجع استدلال و آرمان مبدل شده‌اند.

هویت‌یابی و غیریت‌سازی

آن‌گونه که لاکلاو و موف اشاره می‌کنند، هرگفتمانی مستلزم وجود کسانی است که از طرف آن سخن بگویند. و در کارزارهای سیاسی آن را نمایندگی کنند. در ایران نیز این گفتمان نمایندگان مختلفی دارد، به‌طور خاص می‌توان آن‌ها را افراد طبقه متوسط شهری دانست. عمده کسانی که به‌طرفداری از این گفتمان می‌پردازند، یا در حوزه محیط‌زیست تحصیل کرده‌اند، یا در نهادهای زیست‌محیطی فعالیت می‌کنند، یا افرادی هستند که شاهد نابودی محیط‌زیست اطراف خود بوده‌اند. همچنین فارغ‌التحصیلان و دانشگاهیانی که بیشتر در حوزه محیط‌زیست تخصص دارند و مستندسازهای زیست-محیطی و اعضای سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در شهرهای مختلف ایران نمایندگان این گفتمان هستند. ازجمله اصلی‌ترین نمایندگان این گفتمان می‌توان به اسکندر فیروز پدر سازمان محیط‌زیست ایران، مه لقا ملاح جامعه‌شناس و مادر محیط‌زیست ایران، محمدتقی فرور. مرتضی فرهادی، و محمد درویش اشاره کرد که بی‌شک در چند دهه اخیر یکی از فعال‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نمایندگان این گفتمان است. عبدالحسین وهاب زاده مؤسس مدرسه طبیعت، پرویز کردوانی، اسماعیل کهرم، الهه موسوی، حسین آخانی، سام خسروی فرد، هژیر کیانی، حجت میان‌آبادی، تقی ابتکار، معصومه ابتکار، مجید مخدوم، حمید طراوتی، بیژن فرهنگ دره‌شوری، انوش نوری اسفندیاری، عباسقلی جهانی عضو سابق شورای جهانی آب، نویسندگان در نشریه زیست‌آیین، و بسیاری افراد دیگر که در همین دسته جایی می‌گیرند را می‌توان نام برد. مستندسازان زیست‌محیطی ازجمله مانی میرصادقی، یاسر عرب، کمیل سوهانی، و به‌ویژه اعضای سازمان‌های غیردولتی در شهرهای مختلف ایران که به قوت درزمینه‌ی رفتار زیست‌محیطی و ترویج آن به انحاء مختلف فعال هستند. همه این‌ها بخشی از نمایندگان این گفتمان هستند و نمایندگان بسیار دیگری را برای این گفتمان می‌توان نام

برد. نکته اساسی در تکثر نمایندگان این گفتمان است که برخلاف گفتمان‌های دیگر صرفاً بر محور چند نماینده شاخص مفصل‌بندی نشده است.

گروه‌بندی، غیریت‌سازی و فضای تخصص

محمدتقی فرور دو عامل را غیر خودی و مقصر می‌داند: «من در این قضیه دو عامل اصلی را گناه کار می‌دانم یکی بلاهایی است که دیگران بر سر ما آوردند و دیگری بلاهایی است که خودمان بر سر خودمان می‌آوریم. آنچه دیگران بر سر ما آوردند در مبحث استعمار می‌گنجد که ناشی از سلطه‌های است که چندین بار تاکنون برای ما اتفاق افتاده است. اگرچه در دوران معاصر کشور ما هیچ وقت مستعمره رسمی جایی نبوده، اما از زمان ناصرالدین شاه مرحله خود استعماری ما آغاز شد و بلاهای زیادی خودمان بر سر خودمان آوردیم. من، جناب میرزا تقی خان را یکی از بزرگ‌ترین دولت‌شخصان این مملکت می‌دانم، ولی درعین حال ریشه توسعه تقلیدی که شکلی از خود استعماری است را به ایشان نسبت می‌دهم. ایشان برای اولین بار یک تعداد دانشجو به خارج فرستاد و به آن‌ها دستور داد، بروید آنجا هر چه که می‌بیند بردارید بیاورید و در اینجا پیاده کنید. این دانشجویان رفتند و برگشتند و هر چیزی که دیده بودند پیاده کردند. مثلاً فرنگی‌ها پلی تکنیک داشتند ما دارالفنون ایجاد کردیم، آن‌ها مرسی می‌گفتند و ما هم مرسی گفتیم. خلاصه از زبان و آداب و رسوم گرفته تا دانشگاه و صنعت و محیط‌زیست‌مان، طبق الگوی تقلیدی فرنگی‌ها پیاده شد و کلیه تجربیات بومی کشور که حاصل هزاران سال تجربه در همین مرز بوم بود و بسیار هم کارآمد بود، همگی با روش‌های غیر بومی عوض شد. این شرایط در زمان محمدرضا شاه و پدرش خیلی بدتر شد، چون توأم شد با یک نوع خودکم‌بینی و حس حقارت و دگر برتر بینی، به علاوه معنی مدرنیزاسیون نیز برای ما مساوی شد با اروپایی شدن.» (ماهنامه شرکت شیرهای بهداشتی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۷).

رویکرد سازه‌ای و گفتمان توسعه خصم اصلی این گفتمان است. مصرف‌گرایی و فرهنگ تقلیدی از غرب از دیگر خصم‌های این گفتمان است که همواره سعی می‌کند آن را طرد کند.

اما سرمایه‌داری همواره دشمن اصلی این گفتمان بوده است.

همچنین کسانی را که در چارچوب جهان‌وطنی می‌اندیشند و فراتر از منافع ملی به مسائل زیست‌محیطی نظر دارند در گروه خودی جایی می‌دهند. افراد مصرف‌گرا، افرادی که با وضعیت سرمایه‌داری سر سازگاری دارند، و کسانی که در برنامه‌ریزی‌ها محیط‌زیست را در اولویت برنامه‌های خود قرار نمی‌دهند، دیگری می‌دانند.

از شیوه‌های غیریت‌سازی که روش لاکلاو و موف بدان پرداخته، زنجیره هم‌ارزی و تفاوت است. که اصل چهارده سبزه‌ها (پرونیسیالیست نباشیم) این زنجیره هم‌ارزی و تفاوت را نشان می‌دهد. «محیط-زیستی‌ها اساساً جهان‌گرا هستند و به عبارتی حتی جهان‌وطن. مسائل محیط‌زیستی در مقیاس کلان مشکل مشترک همه بشر هستند و حل آن‌ها نیازمند اتحاد و مشارکت جهانی است. نقطه مقابل این

روحیه جهان‌گرایی که محیط‌زیستی‌ها دارند پرونسیالیسم است. پرونسیالیست‌ها کسانی هستند با جغرافیای ذهنی محدود. در ذهن آن‌ها جهان محدود می‌شود به قوم و قبیله یا دین و مذهب و یا محدوده زیستی و زادگاه خودشان. برای همین جغرافیای محدود می‌جنگند و جز آن آرمانی ندارند. پرونسیالیست‌ها خطرناک‌اند چون از دل پرونسیالیسم دیگرستیزی بیرون می‌زند. نکته جالب این است که غالب آن‌ها که در ایران فعال محیط‌زیست انگاشته می‌شوند به‌واقع پرونسیالیست‌هایی هستند قوم‌گرا. مثلاً آن بخش از فعالان آب خوزستانی که حرفی ندارند جز اینکه آب‌های زاگرس نباید به اصفهان منتقل شود یا آن بخش از فعالان محیط‌زیست در اصفهان که حرفی ندارند جز اینکه آب‌های زاگرس باید بیشتر به اصفهان منتقل شود. این‌ها هر دو به‌واقع فعال قوم‌گرا هستند و پرونسیالیست، و نمی‌توانند در زمره سبزه‌ها دسته‌بندی شوند.» (کریمی، ۱۳۹۷).

هژمونیک شدن و مداخله هژمونیک

این گفتمان سعی می‌کند از فضای غیررسمی و تکنولوژی نوین و مجازی برای هژمونیک نمودن خود بهره‌برد، به‌طوری‌که هم‌اکنون نمایندگان اصلی این گفتمان بیشتر مطالب خود را از طریق پیام رسان‌های مجازی منتشر می‌کنند. مثلاً کانال محمد درویش با ده هزار عضو، کانال ناصر کریمی با ۱۶۰۰ عضو، کانال حسین‌آخانی با ۲۱۰۰ عضو، کانال ساحت‌زیست با ۱۶۰۰ عضو، و فیروزجائیان با ۲۰۰۰ عضو و... و تعداد بی‌شماری تارنمای زیست‌محیطی.

راه‌اندازی کمپین‌های گوناگون با اهدافی چون حفظ طبیعت، تولید زباله کمتر، آلوده نساختن آب‌وخاک، نگهداری از جنگل و درخت، حفظ گونه‌های جانوری و نه به شکار غیرقانونی دریکی دو سال اخیر حساسیت‌های عمومی به محیط‌زیست و مقابله با چالش‌های آن را افزایش داده است. اصل سیزدهم سبزه‌ها (خلاق و آفرینشگر باشیم، همیشه و همه جا) بر این رویکرد فردگرایانه و خلاقیت فردی برای سیطره‌یابی گفتمانی تأکید دارد. «واقعیت این است که جهان در کنترل ناسبزه‌هاست. ناسبزی در تک‌تک لحظات زندگی روزمره به ما هجوم می‌آورد. ما سبزه‌ها مثل رزمندگانی هستیم در محاصره هزاران سلاح مرگبار که بی‌وقفه دارند به ما شلیک می‌کنند. برای رهایی از این مهلکه دستورالعمل و نقشه راه مشخصی وجود ندارد. باید خلاق و مبتکر باشیم. باید در هرلحظه از زندگی‌مان آن راه و روش تازه‌ای که منجر به زیستنی‌سبزتر می‌شود را کشف کرده و پی بگیریم.» (کریمی، ۱۳۹۷).

آموزش و اجتماعی شدن همواره یکی از راهکارهای اصلی پیروان این گفتمان برای هژمونیک شدن بوده است. محمدتقی فرور بر آموزش تأکید دارد: «ببینید تا سیستم آموزش کشور اصلاح نشود هر کار دیگری، روبنایی و کوتاه مدت خواهد بود. مشکل در سیستم آموزش ما است.» (ماهنامه شرکت شیرهای بهداشتی ایران، اردیبهشت ۱۳۹۷).

آن‌ها همچنین از اعتراض‌های نمادین مانند دوچرخه سواری استفاده می‌کنند. روز دوچرخه سواری و جنبش‌های نه به ماشین شخصی یا سه‌شنبه‌های بدون خودرو، مدرسه طبیعت عبدالحسین

وهاب‌زاده، روز زمین پاک و جنبش‌های دسته‌جمعی توزیع کیسه‌های زباله و جمع‌آوری آن در تعطیلات نوروز و تابستان به مسافران و غیر از جمله تلاش‌های این گفتمان برای هژمونیک شدن است. آن‌ها همواره سعی کرده‌اند سیاست‌های غلط جهانی را به دلیل سویه‌های جهان‌وطنی که در این گفتمان غالب است نقد کنند، به‌عنوان مثال محمد درویش، کاوه مدنی، مجیدمخدوم، ناصر کرمی همواره در صفحات مجازی خود احزاب و جریان‌های جمهوری‌خواه در آمریکا را که اعتنایی به مسائل محیط‌زیستی ندارند نقد می‌کنند.

تأکید بر رفتار شخصی صرفه‌جویی و رعایت اصول زیست‌محیطی شیوه دیگر این گفتمان برای هژمونیک شدن است. ملاح ۶۰ سال است که زباله‌ای بیرون از خانه نگذاشته است، حتی اعضای خانواده‌اش هم این کار را نکرده‌اند. مگر اینکه زباله‌ها بازیافتی باشند مانند کاغذ و پلاستیک. وی می‌گوید: «من در دل خانواده‌ای بزرگ شدم که مادرش قبل از من فعال محیط‌زیست بود. در خانه ما زباله‌ای تولید نمی‌شد.» (تارنمای خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۲/۱۲).

درمجموع این گفتمان توانسته است در برنامه‌ها و رفتار زیست‌محیطی مردم نفوذ بسیار بیشتری نسبت به قبل بیابد و با راهکارهای مختلف در عرصه هنر (نقاشی، کاریکاتور، موسیقی)، ادبیات (رمان، داستان، شعر، کتب درسی)، اقتصاد (پیوست‌های زیست‌محیطی و شکایات و اعتراضات نسبت به برنامه‌ها)، رسانه و سینما (کانال‌های فضای مجازی و تارنماها، مستندها و فیلم‌های زیست‌محیطی)، روانشناختی (آموزش، اصول رفتار زیست‌محیطی)، سمن‌ها، در سطوح خرد و کلان بسیار بیشتر از گذشته در عرصه رقابت گفتمانی جایگاه خود را باز کند. و برخی از دال‌های محوری این گفتمان مانند فاجعه زیست‌محیطی، بحران، تخریب، نابودی بر فضای گفتمانی کنونی چیرگی یافته است.

نتیجه‌گیری

گفتمان توسعه در عرصه محیط‌زیست به شکل افراطی از دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی آغاز و شروع به مفصل‌بندی نمود و بر عرصه گفتمانی غالب گردید. بعد از آن آهنگ تخریب محیط‌زیست در ایران شدت گرفت. هم‌زمان در مقابل آن محیط‌زیست-گرایی که در جهان شکل گرفته بود، در ایران نیز با ورود برخی افراد تحصیل‌کرده و طبقه متوسط شهری برخی اقدامات و قوانین در دوره پهلوی دوم شکل گرفت. اما به‌طور خاص این گفتمان در آن زمان نتوانست چندان خود را هژمونیک نموده و در عرصه تخصص گفتمانی قدم علم کند. گفتمان محیط‌زیست‌گرا اگرچه هرگز قدرت و نفوذ گفتمان‌های دیگر را نداشته، ولی در سال‌های اخیر با شدت گرفتن مسائل زیست‌محیطی مختلف زمینه در دسترس قرار گرفتن آن و در نتیجه برجستگی بیشتر این گفتمان فراهم شده است. گفتمان محیط‌زیست‌گرا به شکل امروزی و متناسب با تعریف لاکلاو و موف در مقابله با سیاست‌های افراط‌گرایانه توسعه در ایران و ویژگی‌های افراط کارانه و سرمایه‌داری غربی قوت گرفت. افراد بسیاری به تدریج در قالب برنامه‌ها و طرح‌هایی مانند کنوانسیون تالاب‌ها، سازمان جمعیت زنان و محیط‌زیست و... به مفصل‌بندی گفتمان

محیط‌زیست حول دال مرکزی محیط‌زیست و حفاظت از آن پرداختند. بعد از دهه ۸۰ و آشکار شدن تبعات گفتمان توسعه این گفتمان نیز به‌شدت در دسترس طبقات متوسط شهری قرار گرفت و نمایندگان پرشوری یافت و توانسته خود را توسط تحصیل‌کردگان دانشگاهی، فیلم‌سازان، نهادهای غیردولتی فراوان و از طریق شبکه غیررسمی و مجازی مفصل‌بندی و هم‌مونیک نماید.

منابع

- تارنمای بهسو. (۱۳۹۴). <http://www.behsou.ir/slideshow>.
- تارنمای خبرگزاری مهر. (۱۳۹۳). <https://www.mehrnews.com/news>.
- تارنمای سازمان حفاظت محیط‌زیست. (۱۳۹۷). <https://eform.doe.ir>.
- درویش، محمد. (۱۳۹۶). مهار بیابان‌زایی. <http://mohammaddarvish.ir>.
- دولت‌آبادی، جمشید. (۱۳۹۱). تحلیل جامعه‌شناختی حرکت‌های زیست‌محیطی در ایران (۱۳۷۰-۱۳۹۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ذکاوت، سعید. (۱۳۷۷). وضعیت محیط‌زیست در ایران. ترجمه زهرا شمس‌تهرانی. مجله برنامه و بودجه، ۳۱: ۱۶۷-۱۳۵.
- سوهانی، کمیل. (۱۳۹۴). مستند مادرکشی. مرکز بررسی‌های نهاد ریاست جمهوری.
- صالحی، صادق؛ فیروز جانیان، علی اصغر و رضازاده، فاطمه. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۲۱: ۱۱۰-۷۱.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۲). <http://mortezafarhadi.ir>.
- کانال تلگرامی ناصر کرمی. (۱۳۹۷). اصول سبزه‌ها. @nasserkaramii.
- ماهنامه شرکت شیرهای بهداشتی ایران (۱۳۹۵). سال نهم، شماره ۹۷.
- مجموعه قوانین و مقررات محیط‌زیست ایران. (۱۳۹۲). جلد اول. تدوین دفتر حقوقی و امور مجلس سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- ملکی، امیر، عظیمه السادات‌اللهمی. (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی محیط‌گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲ (۲): ۱۷۷-۲۰۲.
- یازرلو، رضا. (۱۳۹۵). تحلیل گفتمان قوانین زیست‌محیطی مجلس شورای اسلامی. پایان‌نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام‌نور تهران.
- یورگنسن، مارین و فیلیپس لوئیز. (۱۳۹۴). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی. چاپ پنجم.
- Buchanan, K. S. (2013). Contested discourses, knowledge, and socio-environmental conflict in Ecuador. *Environmental science & policy*, 30, 19-25.

- Feindt, P. H., & Oels, A. (2005). Does discourse matter? Discourse analysis in environmental policy making. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 7(3), 161-173.
- Gustafsson, K. M. (2013). Environmental discourses and biodiversity: the construction of a storyline in understanding and managing an environmental issue. *Journal of Integrative Environmental Sciences*, 10(1), 39-54.
- Hajer, M., & Versteeg, W. (2005). A decade of discourse analysis of environmental politics: Achievements, challenges, perspectives. *Journal of environmental policy & planning*, 7(3), 175-184.



An Analysis of Environmentalist Discourse in Iran Based on Laclau and Mouffe's Method

Ghasem Zaeri,¹ & Anvar Mohammadi*²

Abstract

Human interaction with the environment in Iran came to thousands of years ago, but the environmental crisis is a recent phenomenon, which was caused by the lack of human awareness of environmental capacity. In Iran, as in the rest of the world, some discourses have had a positive and negative effect on the crisis. Environmentalist discourse also took place in Iran like other parts of the world in response to this crisis. This discourse has tried in many ways to hegemonic itself and enter into a space of discursive struggle. The purpose of this research is to study and analyze this discourse in Iran. In this regard, we consider environmentalism as an articulation, and analyze it through the Laclau's and Mouffe's discourse analysis method. The results of the research show that, although the root of the discourse of environmentalism is too old, but due to the modernity of the environmental crisis, which has been markedly since the second Pahlavi, and as outcomes of the extreme development become clearer, this discourse today has become more powerful in dealing with this issue. After the revolution, with the continuation of development policies by various governments, this discourse has been articulating itself against this discourse, and has tried in various ways to hegemonic itself.

Keywords: discourse, discourse analysis, environmentalist discourse.

۱. Assistant Professor Of Sociology, Faculty Of Social Sciences, University Of Tehran.Tehran,Iran.

۲. Phd Student At Sociology Of Development And Economy, Faculty Of Social Sciences, University Of Tehran.Tehran,Iran.